

## گفتگوی ارزشمند و آموزنده دو مطبوعاتی ملی گرا

بزرگترین مشکل امارت اسلامی طالبان کسب مشروعیت داخلی و شناخت خارجی میباشد

### مقدمه:

بدینوسیله از همکاران مطبوعاتی محترم داکتر «نور احمد خالدي» و محترم شاغلی «طارق بزگر» اظهار امتنان میدارم که متن این گفتگوی آموزنده و دلچسپ را که به مناسبت سی و پنجمین سال نشر مجله – وبسایت ارزشمند و میلیگرایی «دعوت» به اختیار اینجانب گذاشته اند و موفقیت و تلاش هر دو مطبوعاتی خبره را در راه منافع علیای ملت افغان برای یک افغانستان سربلند آرزو میدارم.

از دهه های متوالی درست از زمانیکه «مجله دعوت» با چند ورق محدود در کشور ناروی در سال ۱۹۸۸ میلادی به نشرات آغاز نمود پیوند فرهنگی و خالصانه مطبوعاتی با شاغلی «طارق بزگر» مدیر مدبر و نهایت ملی گرای آن برقرار نموده و تا ایندم که «دعوت میدیا ۲۴» در دسمبر ۲۰۲۳ فعالیت ۳۵ ساله را تجلیل نمود، بدون شک به نهایت درجه ترقی و اکمال رسیده است، چنانچه که در پهلوی مطالب سیاسی، تاریخی، خبر و امثالهم، حتی برای خانه داری و دنیای زنان و اطفال هم قسمت های آموزنده و دلچسپی دارد؛ طوریکه سالهاست از شیوه ملی گرای، بیطرفی و فیض نشرات و مطالب فراوان آن به السنه دری و پشتو بسیار آموخته و نهایت مستفید گردیده ایم.

ناگفته نماند که سالهای متمادی و از همان عصر خون و آتش اشغال مادر وطن مقدس به کمک خاینین «خلق و پرچم» که نشریه مذکور بر علیه آن جریان دهشتبار به مبارزه علنی پرداخته و فعال گردید، مجله «دعوت» از راه دوری با پوسته به دست من میرسید و مطالب اینقلم را که با دست مینوشتم، تایپ و منتشر مینمود. درین رابطه والا و طولانی فرهنگی، از خلوص نیت و شرافت باطنی محترم شاغلی «طارق بزگر» فقط به سه مثال آتی اکتفا می نمایم:

در آوانی که شورای زمرد فروشان پنجشیر به سرکردگی جاسوس چندین جانبه و وابسته به دشمنان افغانستان، «احمد شاه مسعود» نماینده ای برای تخریب اتحاد ملی و ایجاد تفرقه و نفاق

بین افغانان به نام «قوی کوشان» در ایالت ورجینیا نصب و فعالیت مخرب وی را با نشریه ای به اسم «امید» تمویل می نمود، نامبرده مضمون مبتذلی در هجو اینجانب با توهین و تهمت به قلم فروخته شده دیگری بنام «امان الملک جلاله» وابسته به شورای نظار و سر سپرده «عبدالله عبدالله» را در اخبار «امید» منتشر نمود و نویسنده کاپی آنرا برای «شاغلی بزگر» هم ارسال نمود که وی بدون اطلاع به من، خود از نشر آن امتناع ورزید و همکاری موصوف را رد نمود. من ماه ها بعد از موضوع مطلع گردیدم.

چند سال قبل در آوانیکه با سایت «آریانا افغانستان آنلاین» همکاری داشتم، روزی ضمن صحبت تلفونی در مورد مضمونی که ازین جانب در وبسایت «دعوت میدیا» هم منتشر شده بود، محترم شاغلی بزگر فرمودند که اگر پالیسی وبسایت متذکره ایجاب مینماید که من مضامین خویش را بصورت انحصاری در «آریانا افغانستان» به نشر برسانم، وی ایرادی نخواهد داشت و همچنان نوشته های مرا مطالعه نموده و با دوستان شریک خواهد ساخت. منکه ازین شکسته نفسی و ارزش اخلاقی وی والای وی شرمنده شده بودم، اظهار داشتم که من یک قلم بدست آزاده بوده و از انحصار طلبی بیزارم، چنانکه از همکاری فرهنگی طولانی با «دعوت» افتخار می نمایم.

در سال ۲۰۱۱ زمانیکه کمپیوتر را برای ترمیم به مرکز چنان فعالیت هایی گذاشتم، حین تسلیمی، متوجه شدم که ۲۰ ساله ذخیره و یاد داشت های من به اشتباه آنها پاک و معدوم گردیده است که البته ناامیدی زیادی را در بر داشت، در آن آوان آقای بزگر با توجه و زحمات مبرم، همه کاپی های ورود مضامین را که در اختیار داشتند، یک بیک ارسال نمودند که با ممنونیت از ایشان، کمک فوق العاده ای محسوب میگردد. البته ورود بیشتر از ۲۰۰ مضمون و مطلب منتشره در وبسایت «افغان جرمن» علی الرغم سالها همکاری های صادقانه، هرگز به دست اینجانب نرسید. نشریه همه جانبه «دعوت میدیا ۲۴» بدون تردید بزرگترین ارگان مطبوعاتی بیرون سرحدی افغانی محسوب میگردد که مراعات آزادی بیان و کرامت انسانی تا حد زیادی پشتیبانی میگردد. در وبسایت دعوت از دریچه هایی که ارزش آموزشی آن قلیل و افترا، تحریف تاریخ و دو دشنامی که بعضی وبسایت آه به آن وابسته اند، خبری نیست. این تشکیل وسیع به السنه پشتو، دری، انگلیسی و نارویجی مطالب گوناگونی را به نشر میسپارد و انتقاد آزاد با مراعات عفت قلم در آن مجاز میباشد. البته مجله انترنتی آن هم فعال گردیده است.

همانطور که در عنوان مطلب تذکار رفته است، اخیراً محقق، مترجم و نویسنده دانشمند داکتر «نور احمد خالدی» و مدیر مسئول وبسایت دعوت محترم شاغلی «طارق بزگر» گفتگوی آموزنده و جالبی در قبال اوضاع افغانستان از زوایای گوناگون داشته اند که تقدیم هموطنان محترم ما میگردد:

**بزرگ:** نظر شما در مورد وضعیت فعلی افغانستان چه می‌باشد؟

**خالدی:** در مدت بیش از دو سال گذشته، دست آوردهای مهم طالبان را میتوان تأمین حاکمیت دولت مرکزی بالای قدرت‌های محلی، ختم قدرت‌های نیمه مستقل محلی وابسته به جنگ‌سالاران جهادی، ختم زورگویی قدرتمندان در نواحی شهری که سبب غضب و فروش زمینهای دولتی، ایجاد ساختمانها خلاف ماسترپلانهای شهری، قطع سرکهای شهری شده بود، ختم عدم جوابدهی اداری و مالی ارگان‌های محلی به دولت مرکزی، ختم حالت انارشی و بی بند وباری، ختم فساد گسترده اداری، اخلاقی و مالی و ختم تبلیغات ضد منافع ملی به حساب آورد.

همچنان در عدم موجودیت عناصر فعال و با نفوذ بازدارنده و مخالف در درون دولت مانند عبدالله عبدالله و دارو دسته اش در دولت غنی، طالبان تطبیق پروگرامهای زیربنایی، انکشاف شهری و مواصلاتی زمان دولت جمهوری را رویدست گرفته و به شدت و سرعت برای تطبیق آنها اقدام کرده اند. این پروگرامها تا کنون شامل تطبیق پروژه بزرگ آبیاری کانان قوش تپیه از ولسوالی کلدار ولایت بلخ تا ولسوالی اندخوی ولایت فاریاب به طول ۲۳۰ کیلومتر، عرض ۱۰۵ متر و عمق ۸,۵ متر و احداث پلهای موتر رو و خط آهن بالای این کانال در مسیر مزار شریف و بندر حیرتان می‌باشد. همچنان ترمیم اساسی شاهراه سالنگ، ترمیم اساسی شاهراه کابل، قندهار، ترمیم اساسی سرک غزنی پکتیکا، تمدید سرک جغله در یک قسمت دهلیز و اخان تا سرحد چین بطول ۴۰ کیلومتر، آغاز کار تطبیق پروژه کابل جدید در ده سبز، شروع کار احداث لوله آب انتقال آب دریای پنجشیر به کابل، احداث سرک جدید اتصالی از کاریز میر در شمال کوتل خیرخانه به چارراهی قمبر در جنوب غرب کابل بطول بیش از هفت کیلومتر که یکی از سرکهای حلقوی شهر می‌باشد، شروع کار چندین سرک در نقاط مختلف شهر منجمله سرک جدید کوتل خیرخانه، سرک ناحیه رحمان بابا و غیره، از میان برداشته تمام موانع فزیکتی در مسیر جاده های شهر کابل، تخریب منازل ملیون دالری قدرتمندان که در مسیر سرکهای شهری ایجاد شده بودند از جمله این اقدامات اند که از جانب مردم به شدت مورد حمایت قرار گرفته اند.

باید توجه داشت که تطبیق این پروژه ها توسط متخصصین، انجنیران و کارگران افغان و توسط شرکتهای ساختمانی خصوصی داخلی جریان دارد که این خود به رشد این شرکتهای، افزایش ظرفیتهای تولیدی آنها کمک میکند. در عین زمان همه روزه اخبار افتتاح کار موسسات و فابریکات صنعتی مانند دستگاههای پروسس میوه و سبزیجات، روغن کشی و غیره با سرمایهگذاریهای خصوصی بگوش میرسند و موسسات تولیدی سابقه مانند نساجی و سمنت گلبهار

دوباره فعال میشوند. بدون شک این انکشافات در افزایش ظرفیتهای تولیدی، افزایش مواد استهلاکی داخلی، کار و استخدام در کشور سهم بارزی دارند.

نکته مورد توجه آن است که تمام این پروژه ها از مدرک عواید داخلی دولت تمویل میگردند. ختم فساد اداری و مالی به حکومت طالبان امکان داده تا از یکطرف عواید دولت را از منابع مختلف داخلی افزایش قابل ملاحظه دهند و از جانب دیگر از حیف و میل و ضیاع این منابع جلوگیری نمایند. تمام پروژه های شهری شامل ماستر پلان شهر کابل اکنون از عواید شاروالی کابل تمویل میشوند .

در عین زمان باید دید که در دوسال حاکمیت مجدد طالبان مردم و کشور افغانستان چه قیمتی پرداخته اند!

در دوسال حاکمیت مجدد طالبان اوضاع اقتصادی افغانستان بشدت رو به وخامت گذاشته، تولیدات داخلی تقلیل یافته، ده ها هزار نفر بیکار شده اند، شاخص قیمتها بالا رفته که در نتیجه عواید و قدرت خرید مردم تنزیل یافته، امنیت غذایی مردم به تناسب زمان قبل از طالبان بیشتر از میان رفته بیش از نیم نفوس کشور در حالت فقر و قحطی قرار گرفته اند.

برعلاوه با به قدرت رسیدن مجدد طالبان در افغانستان و انفاذ احکام شریعت مطابق تفسیر متحجر و غیر عقلانی، حقوق مدنی مردم و بخصوص حقوق زنان محدود گردیده، قانون اساسی و سایر قوانین مدنی عملاً به کنار گذاشته شده و نقش مردم در اداره کشور نادیده گرفته شده است. طالبان فعالیت های فرهنگی و هنری منجمله موسیقی، سینما، مجسمه سازی و غیره را ممنوع کرده بیرق سه رنگ ملی کشور را با بیرق سفید خود تعویض کردند .

امارت اسلامی طالبان در مقابل مسائل مبرم ملی مانند یک حکومت متمدن برخورد نکرده است. کدام قانون اساسی نافذ نشده، و سائر قوانین در حالت تعلیق قرار دارند. دولت توسط فرامین اداره میگردد و یکتعداد وزرای طالبان احکام جاهلانه صادر میکنند. یکی به فارغان معارف و تعلیمات عالی که کادر های مسلکی کشور را تشکیل میدهند اهانت نموده آنها را بیفایده میخواند، دیگری آموزش علم را "مباح" میداند، سومی تعلیم زنان را "فحشاً" قلمداد میکند و چهارمی احراز مقامات علمی استادان را به تعداد انفجار ماینها توسط مجاهدین طالب مربوط میداند. حکومت قانون وجود ندارد، شعارهای دیواری طالبان بیان میکند که "قرآن مجید قانون ماست!" در عصر ما حکومتداری بدون موجودیت قانون که حقوق و مکلفیتهای اتباع و دولت را مشخص میکند ووظایف دولت را برای اداره کشور تعیین میکند ، قابل پذیرش نمیشود.

**بزرگ:** وضعیت روان که حاکمان نمیتوانند زبان مشترک با مردم و جهان پیدا کنند ادامه این وضعیت و تاثیر برای مدت دراز چه خواهد بود؟

**خالدی:** رژیم طالبان دستگاه اداری دولت را ملانیزه کرده است.

طالبان حقوق مدنی زنان و دختران را محدود کرده، تعلیمات انات را بالاتر از صنف ششم ابتدایی ممنوع اعلام کرده اند. همچنان طالبان در این دو سال گذشته تمام زنان را از ادارات دولتی اخراج نموده و کار زنان را در خارج از منزل، با بعضی استثنائات در سکتور صحت عامه و فعالیتهای توزیع امدادهای بشردوستانه، ممنوع نموده اند.

در نتیجه صدها هزار مغز متفکر و سرمایه ملی کشور از وطن فرار و تعداد زیاد شان به وضع فلاکتبار و شنیع کشته، شهید و اسیر باند های جنایت کار در داخل و خارج شدند. انفجار، انتحار و خود کشی ها با بیکاری و بی معاشی و بی عاید بودن، مردم افغانستان را سخت زبون، دل شکسته و خوار ساخته و این پروسه در حال تعمیق است. زیستن بدون داشتن حقوق مدنی برای ملت قابل قبول نیست.

بزرگترین مشکل امارت اسلامی طالبان کسب مشروعیت داخلی و شناخت خارجی میباشد. کسب مشروعیت داخلی از دو طریق فراهم میگردد. اول- از طریق تایید مردم از رهبر دولت و از نظام دولتی، و دوم- از طریق سهمگیری اقشار مختلف مردم در اداره دولت و ایجاد یک دولت با قاعده وسیع که اقشار مختلف مردم خود را در آن دولت ببینند. این موضوع در کشور کثیر القومی و کثیرالزبانی افغانستان از اهمیت زیادی برخوردار است.

در افغانستان کسب مشروعیت داخلی دولتها و رهبران دولت بطور عنعنوی و تاریخی از طریق تشکیل لویه جرگه های مردم افغانستان که در آن معمولاً نمایندگان تمام ولسوالیها و نواحی شهری، اعضای حکومت، اعضای شورای ملی، قضات ستره محکمه، جنرالان عالیرتبه اردو، روسای پوهنتونها و موسسات تعلیمات عالی، نمایندگان جوانان، زنان و اقشار اجتماعی مانند اقلیتهای قومی و مذهبی و روحانیون عالی مقام اشتراک میکردند، حاصل میگردد.

اما طوریکه دیده میشود برای طالبان کسب مشروعیت داخلی با دو عنصر تکمیل گردیده است: پیروزی در جنگ و فتح کشور و بیعت ملاها یا علمای دین. خارج از این دو عامل در دو سال گذشته طالبان از یکطرف هیچ اقدامی در کسب مشروعیت نظام خود از مردم نکرده اند. تشکیل مجلس بزرگ ملاها سال گذشته در کابل، بدون موجودیت خبرنگاران و بدون موجودیت کمره های تلویزیونی، که به ظاهر به امیرالمومنین طالبان بیعت خود را اعلام کردند نه تنها هیچ کسی را فریب نداد بلکه سوالهای زیادی را به سوالهای قبلی در مورد مشروعیت حاکمیت طالبان افزود.

**بزرگ:** آینده افغانستان را چطور میبینید؟

**خالدی:** ارگان رهبری رژیم امارت اسلامی طالبان در هاله از ابهام پیچیده است. تاکنون طالبان از موجودیت یک شورای رهبری یا کمیته مرکزی تصمیم گیری در مورد پالیسیها اطلاع نداده اند. تمام تصامیم به ظاهر با تصویب و یا خارج از تصویب مجلس وزرا، اما با صدور فرمان امیر المؤمنین گرفته میشوند. این امیر المؤمنین که مقر او در قندهار است چه شخصی است و علاوه بر مجلس وزرا در کابل آیا کدام گروه مشورتی دارد و یا خیر؟ امیر المؤمنین مانند هر دیکتاتور دیگری کشور را با صدور فرمان اداره میکند و به هیچ کس و یا مقامی هم پاسخگو نیست. حتی مجلس بزرگ ملاها که سال گذشته در کابل به ظاهر به امیر المؤمنین طالبان بیعت خود را اعلام کرد مقام مشخص و دائمی در نظام سیاسی طالبان ندارد.

نه تنها در دو سال گذشته مردم افغانستان روی مبارک کسی را که بنام هبت الله آخوند زیر عنوان امیر المؤمنین بالای شان حکومت میکند ندیده اند بلکه حتی اعضای دوهزار نفری مجلس بزرگ ملاها در کابل نیز با آنهمه پتو، لنگی و چادر که بر سر و گردن او پیچیده بود و زاویه غیر مستقیم موقف او در پشت میز خطابه نیز نتوانستند روی مبارک ایشان را ببینند. این مبارک در دو سال گذشته در هیچ نماز جمعه، نماز عید، جشن استقلال، جشن پیروزی و امثالهم در مقابل مردم خود ظاهر نشده است و هیچ بیانیۀ تلویزیونی ایراد نکرده است.

در دو سال گذشته مقامات طالبان از هیچ جلسۀ کاری اعضای حکومت مؤقت طالبان با امیر المؤمنین شان اطلاع نداده اند و امیر المؤمنین با هیچ مقام خارجی نیز ملاقات نکرده است. اخیراً محمد حسن آخوند رییس الوزرای رژیم طالبان با محمد بن عبدالرحمن آل ثانی، صدراعظم و وزیر خارجه قطر در قندهار دیدار کرد و شایعات اینکه پایتخت سیاسی افغانستان از کابل به قندهار منتقل شده است، بیشتر شد هبت الله آخوندزاده، رهبر طالبان در قندهار مستقر است و بسیاری از هیات های خارجی اکنون در سفر به افغانستان به قندهار سفر می کنند تا با والی قندهار و دیگر افراد نزدیک به رهبر طالبان دیدار کنند.

این وضعیت شاید برای کوتاه مدت تحمل گردد اما برای مدت طولانی حتی برای صفوف طالبان نیز قابل قبول نخواهد بود.

**بزرگر:** بیشتر از دو سال میشود که مکاتب و دروازه پوهنتونها بر روی دختران بسته است تاثیر دراز مدت و کوتاه مدت آن به دختران وطن و افغانستان چه خواهد بود؟

**خالدی:** زنان افغانستان که نیم نفوس کشور را تشکیل میدهند حق دارند در جامعه شامل باشند. زنان به مثابه مادران در تکامل فکری و ذهنی اولاد نقش کلیدی دارند. آنچه طالبان امروز بر سر زنان افغانستان می آورند تکرار همان وضعیتی است که پنج قرن قبل در اروپا حکمفرما بود. صد سال پیشرفت اجتماعی و فرهنگی کشور را طالبان متوقف کرده و به نقطه اول باز

گردانده اند. زن باسواد و تعلیم یافته از صحت بهتر برخوردار می باشد، فرزندان سالمتر ببار می آورد، مشاور بهتر برای شوهر و اولاد خود می باشد. بعد از یک نسل، یعنی بعد از ۲۵ سال، بیسوادی زنان اثرات تخریبی جبران ناپذیر بالای انکشاف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور بجا خواهد گذاشت که هرگز نخواهد توانست با کاروان ترقی سائر ممالک همگام شود و این کشور همیشه مهر عقب ماندگی را بر جبین خواهد داشت. ادامه وضع موجود، آینده ملت افغانستان را با خطر جدی روبرو نموده خطر عقب ماندگی از جریان تمدن معاصر، عقب ماندگی اقتصادی، تکنولوژیکی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و فقر را با تجرید از جامعه جهانی در بر خواهد داشت. **بزرگر:** به نظر شما چرا طالبان مخالف تعلیم و کار زنان می باشد ایا این خواست طالبان است و یا حامیان خارجی شان، در حالیکه در هیچ کشور دنیا اسلامی و غیر اسلامی جلو کار و تعلیم دختران گرفته نشده است.

**خالدی:** طالبان زیر نام حکومت اسلامی یک دولت اپارتاید جنسیتی و دیکتاتوری مالاها را ایجاد کرده اند. باید دانست که حکومت مالاها به معنی حکومت اسلامی نیست! حکومت اسلامی نه در قرآن مجید تعریف شده و نه در شریعت محمدی. در مورد منع تحصیل زنان در شریعت صرف یک حدیث موجود است که آنهم اصالت آن مانند صدها حدیث دیگر مورد سوال قرار دارد. منع تحصیل و تعلیم زنان در افغانستان به نفع هیچ حامی خارجی طالبان نیست بلکه از عقب ماندگی ذهنی و فرهنگی مقامات رهبری طالبان نمایندگی میکند. قاعدتاً حکومتها و رهبران دولت، همانند اشخاص انفرادی، می باید از شریعت به مثابه روش زندگی و ارزشهای معنوی برای رسیدن به رستگاری در بارگاه عدالت خالق یکتا پیروی کنند نه به عنوان دساتیر اجرایی اجباری بالای جامعه ..

**بزرگر:** در این روزها بنام جبهه مقاومت و جبهه این و آن در بعضی کشورها جلساتی صورت میگیرد در حالیکه برگزاران این جلسات بیرق ملی، سرود ملی، نام افغانستان و حتی خود را افغان نمی گویند ایا اینها میتوانند از مردم افغانستان نمایندگی کنند؟

**خالدی:** وضعیت بحرانزای کنونی، به رقبای منطقه یی و کشورهاییی که در منطقه به دنبال اهداف استراتژیکی خود اند فرصت می دهد تا از ناتوانی حاکمیت در افغانستان سواستفاده کنند. خطر یک جنگ نیابتی دیگر هنوز متصور است. اخیرا تشکیل یک سازمان سیاسی- نظامی متشکل از جنرالان عالیرتبه نظام گذشته در امریکا خطر باز کردن روزه های جنگ داخلی را در کشور افزایش داده است.

شرایط نا مساعد کنونی به عناصر و جریانهای ضد حاکمیت ملی، ضد تمامیت ارضی و ضد اتحاد ملی مردم افغانستان فرصت داده تا با بلند کردن بیرقهای متعدد خراسان طلبی و هزارستان خواهی و تقاضاهای علنی برای تجزیه کشور علناً تبارز نموده خطرات جدی را متوجه بنیادهای وطن ما، تمامیت ارضی و اتحاد ملی افغانستان نمایند.

انحصار قدرت بدست یک قشر جامعه که عبارت از ملاها اند و تجرید مردم از سیاست و دولتمداری به عناصر ضد ملی فرصت میدهد تا به دسایس ضد ملی به همکاری دشمنان خارجی اقدام کنند. گناه این وضعیت بدوش طالبان است. اگر طالبان همچنانکه ادعا دارند از حمایت مردم برخوردار اند باید از مردم نه ترسند و مردم را در اداره دولت و کشور دخیل کنند.

**بزرگ:** با سقوط جمهوریت صد ها هزار قشر تعلیم یافته کشور به کشورهای بیگانه مهاجر شدند.

علت برون رفت این قشر روشن فکر و تاثیر آن بر آینده افغانستان چه خواهد بود؟

**خالدی:** متأسفانه این فرار مغزها، با ادامه سیاست محروم کردن زنان از تعلیم و کار، بعد از چند سال هرگز قابل ترمیم نخواهد بود و اثرات مخربی بالای جامعه افغانستان بجا خواهد گذاشت.

**بزرگ:** قسمی که دیده میشود در افغانستان یک حرکت ملی افغانستان شمول وجود ندارد چه باید شود که افغانها زیر یک چتر ملی با هم جمع شوند؟

**خالدی:** با آنکه ساختن پل، پلچک، سرک، کانال و امثالهم برای انکشاف کشور و برای خدمت به مردم اهمیت زیاد دارند اما برای کسب مشروعیت حکومت بالای مردم و رضایت مردم کافی نیستند. در عدم موجودیت مشروعیت داخلی، در ادامه حکومتداری بدون قانون، در ادامه محروم کردن نیم نفوس کشور از حق تعلیم، تحصیل و کار؛ در ادامه محروم کردن مردم از حقوق سیاسی، در ادامه انحصار ارگانهای اداره دولت توسط ملاها و محروم کردن سایر اقشار مردم، احتمال افزایش نارضایتی مردم و مقاومت در برابر رژیم به دور از تصور نیست. همین اکنون، خبرهایی از درگیری های مسلحانه از گوشه و کنار کشور به گوش می رسد. فعالیت های تروریستی یکبار دیگر امنیت را تهدید می کنند، و بخصوص با هدف قراردادن اقلیت های قومی و مذهبی، خطر تفرقه ملی افزایش یافته است.

حملات تروریستی در افغانستان و اطراف افغانستان همچنان ادامه داشته از یکطرف طالبان قادر به جلوگیری از آن نیستند و از جانب دیگر خارجیها موجودیت یک رژیم افراطی اسلام گرای طالبان را عامل آن میدانند. کشته شدن ایمان الظواهری رهبر القاعده در کابل مبین ادامه همکاری طالبان با این گروه تروریستی بین المللی میباشد. علاوه برآن حتی پاکستان موجودیت بعضی رهبران گروههای تروریستی را در افغانستان تایید کرده است. موجودیت گروه های تروریستی ضد هند، ضد چین، ضد تاجیکستان، ضد ازبکستان، ضد روسیه و حتی ضد پاکستان در افغانستان



باعث ادامه جنگ های نیابتی گردیده شرایط زندگی مردم ما را بیشتر خراب میکند. جنبش طالبان نظر به ماهیت و محدودیتهای عقیدتی خود نه تنها نمیتواند جلو پرورش تروریسم و فعالیتهای تروریستی را در منطقه بگیرد بلکه خطر جدی برای ثبات سیاسی دولتهای منطقه نیز محسوب میگردد.

با توجه به وضع اسفبار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی موجوده مردم افغانستان و با توجه به عدم شناخت بین المللی رژیم امارت اسلامی طالبان، فعالین سیاسی افغانستان به ایجاد ائتلافها، اتحادیه ها و جبهه های متعددی دست زده اند. اما مبرهن است که هیچ بنیاد و ائتلافی به تنهایی نمیتواند به نجات افغانستان و مردم ما از وضع موجوده موفق گردد. با ادامه عدم هماهنگی میان فعالین سیاسی، عمر حاکمیت ارتجاعی، انحصاری تمامیت خواه و مستبد در افغانستان طولانی تر خواهد شد.

**بزرگر:** به نظر شما راه رسیدن به صلح پایدار و حکومت قانونی مردمی چه می باشد؟

**خالدی:** قسمیکه گفتم طالبان اگر ادعا میکنند که از حمایت مردم برخوردار هستند از مردم نترسند. به مردم حق اشتراک در حیات سیاسی کشور دهند و از مردم کسب مشروعیت کنند. این کسب مشروعیت از طریق ایجاد یک لویه جرگه قانون اساسی میتواند انجام یابد که در آن نمایندگان مردم بصورت دموکراتیک و بدون دخالت طالبان از تمام ولسوالیها و نواحی شهری کشور دعوت شوند و یک قانون اساسی را که با شرایط افغانستان در قرن بیست و یکم مساعد باشد تصویب نموده یک نظام دولتی را ایجاد کنند.

**بزرگر:** آیا جنگ راه حل مشکل افغانستان است؟

**خالدی:** جنگ راه حل نیست اما انعطاف ناپذیری طالبان و پافشاری طالبان بر ادامه یک نظام اپارتاید جنسیتی و دیکتاتوری انحصاری مالاها در نهایت ناگذیر به جنگ منتهی میگردد.

**بزرگر:** به نظر شما احصایه، احصایه گیری، سرشماری، احصایه دقیق نفوس یک کشور چقدر ضروری میباشد؟ نفوس کشور و احصایه های خیالی به نظر شما قابل قبول است؟ و چه باید شود که نفوس دقیق کشور معلوم، ثبت و تثبیت شود؟

**خالدی:** من گاهی به وبسایت اداره ملی احصائیه و معلومات (احصائیه مرکزی سابق) سر میزنم و خوشحالم که این اداره همچنان به کارهای خود ادامه داده و همه ماهه و سالانه راپورهای مهم اقتصادی و اجتماعی را نشر میکند. سرشماری نفوس برای انکشاف اقتصادی و اجتماعی کشور نهایت ضروری است. از آخرین سرشماری نفوس در افغانستان ۴۴ سال می گذرد و وقت آن است که یک سرشماری علمی انجام یابد. من در سالهای ۱۹۸۲-۱۹۸۳ مدیر عمومی سرشماری نفوس در احصائیه مرکزی بودم. و در این وظیفه نتایج سرشماری ۱۹۷۹ کشور

راتحلیل نموده راپور مکمل سرشماری را به مقامات وقت اداره مرکزی احصائیه سپرده بودم که تا امروز مورد استفاده مقامات است. در آسترالیا دوکتورای خود را در علم نفوس حاصل کردم و برای ۲۶ سال در امور نفوس کارمند دولت آسترالیا بودم و هم اکنون دفتر مشورتی در موضوع نفوس دارم که راپورهای بسیار مهم برای ادارات دولتی و انجمنهای اجتماعی تهیه میکنم. در سالهای جمهوریت دفتر نفوس ملل متحد به من پیشنهاد کرد به حیث متخصص نفوس در اجرای سرشماری جدید به افغانستان بروم. اما در سالهای جمهوریت بخاطر نبودن امنیت امکان سرشماری موجود نبود، امروز امکانات اجرای سرشماری در افغانستان موجود است و ضرورت اجرای آن نیز عاجل است. من حاضر هستم در این مورد با اداره ملی احصائیه و معلومات همکاری کنم.

**بزرگ:** شما که نویسنده چند کتاب و صدها مقاله میباشید علت مخالفت یک عده که خود را به اصطلاح عام خراسانی و هزارستانی شناخته میشود، چه میباشد تا جائیکه من خوانده ام و شناختی که با شما دارم شما در دفاع از منافع ملی و مردم خود چیزی دیگری نگفته اید، میشود درین مورد برایم بگویید؟

**خالدی:** دلیل آن واضح است. خراسانیها و هزارستانیها میخواهند هرچه از تاریخ و فرهنگ و دولت افغانستان وجود دارد تخریب کنند. لطیف پدرام با وضاحت و با بیشرمی چند سال قبل اعلام کرد که باید سمبولهای بزرگ ملی را در افغانستان نابود کرد. در مقابل، من دفاع از این سمبولها را وظیفه درجه اول خود قرار داده ام. بنابر آن دشمن درجه اول این افراد طالب نبوده بلکه اشخاصی مانند من میباشد چون افرادی مانند من گلیم جعلیات ایدیولوژیکی طرز دید آنها را از زیر پایشان بر میداریم و پوچی شعارهای سیاسی آنها را به مردم بیان میکنیم. بنابراین این خراسانیها و هزارستانیها هرگز چیزهایی را که من مینویسم نمیخوانند، همینکه نام مرا دیدند شروع به فحاشی و تخریب میکنند.

**بزرگ:** پیام شما به جوانان کشور که در کشورهای خارجی زندگی میکنند چه میباشد که باید چه کنند و وقت خود را مصروف چه کنند و اولیت شان باید چه باشد؟ افغانهای خارج از افغانستان چه نقشی را در مورد قضایای کشور میتوانند بازی کنند؟

**خالدی:** در این مقطع تاریخی وظیفه اساسی، مهم و خطیر تمام جوانان، روشنفکران، بنیادها، ایتلافها، اتحادیه ها و فعالین سیاسی افغانستان است تا در محور اهداف ترقیخواهانه، ارزشها و منافع مشترک در یک ائتلاف ملی برای نجات افغانستان متحد شده با ایجاد یک آدرس مشترک مرجع مراجعه و سنگر دفاع از منافع مردم افغانستان شده و در عین زمان پارتتر خوب و سالم

برای جامعه جهانی شده و در مقابل حاکمیت تمامیت خواه، مرجع انعکاس افکار تمام اقشار ملت افغانستان گردد؛

وظیفه اساسی امروز ما ایجاد یک جبهه وسیع و فراخ از شخصیت‌های ملی، بنیادها، ایتلافها، احزاب واتحادیه های مختلف، با ادامه موجودیت مستقل آنها، زیر یک چتر برای هماهنگی فعالیت‌های آنها در سطح ملی و بین المللی است در غیر آن از تماس‌های توماس وست با عبدالله عبدالله و غیره مفسدین معلوم الحال مبرهن است که این ابتکار را کسانی بدست می گیرند که با سرنوشت کشور در گذشته معامله کرده و در آینده باز هم معامله خواهند کرد.

طالبان باید بدانند که حاکمیت غیر قانونی انحصاری موجوده امارت اسلامی ملاها مورد قبول مردم افغانستان و جامعه جهانی نیست. طالبان باید بدانند که با حکومت کردن به موجب تعبیرهای ناقص، غیر منطقی و غیر عقلانی از احکام شریعت اسلامی نمیتوان نیازمندیهای مردم و جامعه در عصر حاضر را برآورده ساخت. مملکت به قانون اساسی و سائر قوانین که به تصویب نمایندگان ملت رسیده باشد نیاز دارد. افغانستان یک کشور

نظر به ماهیت معضله کشور، و بخصوص دخیل بودن نهادهای استخباراتی کشورهای منطقه و ابرقدرتها، هرگونه ائتلاف میان گروه‌های سیاسی افغان برای یافتن راه حل برای بحران افغانستان باید از همکاری بین المللی برخوردار گردد. نجات افغانستان از شرایط نا مساعد کنونی، نه تنها وظیفه مبرم ملت و روشنفکران افغانستان است بلکه مکلفیت جامعه جهانی را نیز در بر دارد.

**بزرگ:** نظر شما در مورد مرکز رسانه‌ی دعوت چیست و نظر و مشوره شما برای بهبود بیشتر فعالیت‌های ما چه میباشد؟ همین ماه دسمبر ۲۰۲۳ جشن ۳۵ سالگی مجله دعوت است. نظر مشخص شما در مورد مجله دعوت چیست؟

**خالدی:** جا دارد به شما در ایجاد و پیشبرد مجله وزین دعوت تبریک بگویم. ادامه این کار یک ضرورت فرهنگی، اطلاعاتی، معلوماتی و سیاسی برای روشنگری جامعه افغانی میباشد.

ختم گفتگو